

# بیرون آن شب تیره تا دیر باز



سید ابوطالب مظفری

مربوط می‌شود پای روان‌شناسی و اخلاق در میان است و نسبتی با فرهنگ پیدا می‌کند؛ زیرا تابوهای جنسی در جوامع مختلف یکسان نیستند. ممکن است در فرهنگی نام‌بردن صرف از پستان یا لب زن، تابو باشد و در فرهنگی دیگر، این یک امر عادی تلقی شود. از طرفی در فلسفه اخلاق، در نگاه گروهی که از آنان به فضیلت‌گرایان تعبیر می‌شوند، عمل اخلاقی آن چیزی نیست که در عمل از کسی سر می‌زند. باید دید عمل اخلاقی، از چه عاملی و با چه نیتی سر زده است. می‌شود به صورت معکوس از این نکته این‌جا هم بهره برد. گاهی است که توصیف واحد در دو متن ادبی را نمی‌شود یکسان حکم کرد. مثلاً مولانا در مثنوی توصیفاتی دارد که از جنبه ظاهری یک روایت اروتیک است، ولی با همه این‌ها در طول تاریخ مثنوی را

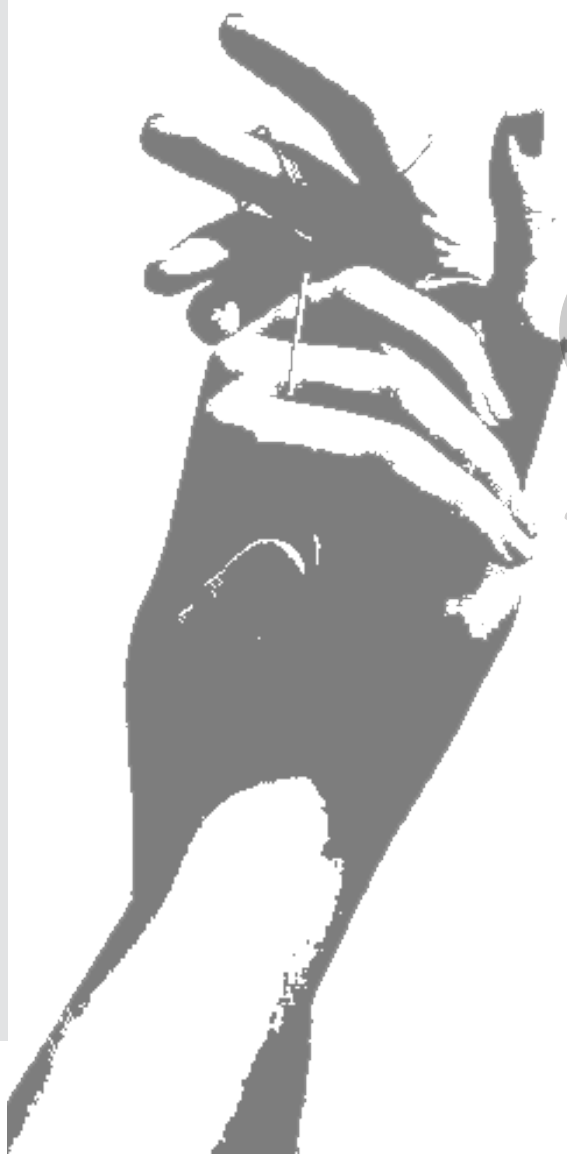
اروتیسم در قالب‌های مختلف هنری بروز و ظهور ویژه خودش را دارد. بسته به امکانات بیانی خاصی هر قالبی، کارکرد خاصی نیز می‌تواند داشته باشد. دایره شمول آن نیز بسیار گسترده است. از توصیف‌های رقیق، جهت ایجاد لذت بگير تا هیجانانگیزی ناشی از پورنوگرافی. بنابراین، می‌شود این بحث را در تمامی این قالب‌ها، قابل طرح دانست و در ادبیات و به‌طور خاص در شعر و داستان به تفاوت‌ها و یکسانی‌های آن پرداخت. برای روشن شدن موضوع بهتر است به تفکیکی تن بدهیم.

ما یک مرتبه موضوع را از جنبه گرایش‌های تیپ شخصیتی هنرمند مورد بررسی قرار می‌دهیم و بار دیگر به ویژگی‌های قالب هنری توجه می‌کنیم. در نگاه اول که به تیپ شخصیتی خود هنرمند

شعر ذاتاً به سمت اجمال و فشرده‌گویی و استعاره‌پردازی و رمزوارگی حرکت می‌کند. همه این عوامل، متن شعری را از واقعیت‌گرایی دور می‌کنند. این است که اروتیسم در شعر هیچ‌گاه از یک توصیف کلی فراتر نمی‌رود و مخاطب در آن احساس نیاز ذاتی به صراحت و پردازش تفصیلی نمی‌بیند و اگر شاعری بدون در نظر گرفتن این اقتضائات ساختاری وارد ساحت پردازش پورنوگرایانه شود دم خروس شخصیت شاعر، خودش را نشان می‌دهد، اما روشن است که داستان این‌گونه نیست.

با پسوند معنوی و شریف یاد کرده و شناخته‌اند و کمتر کسی است که خصوصیت متن را به خود ماتین که مولانا باشد تسری داده و گفته باشد قصد مولانا در توصیف این صحنه‌ها برانگیختن تمایلات جنسی مخاطبانش بوده است، اما این سخن به این معنی هم نیست که تمایلات برخی از خوانندگان مثنوی از این روایت‌ها برانگیخته نشود. روی این اقتراح به کارکرد متن است نه ماتین. گذشته از این، موضوع جزئی‌تر اقتراح این است که آیا در ساختار متن دو قالب شعر و داستان تفاوت‌هایی هستند که توصیف و تبیین اروتیکی را در یکی قبول و در دیگری رد کند؟

از نظر قالب و شکل متن به نظر من میان شعر و داستان دو تفاوت عمده وجود دارد که اروتیسم را در داستان موجه‌تر از شعر می‌کند. تفاوت اول در روایی بودن متن داستانی است. متن روایی گسترده کارکردهایی دارد که به شکل طبیعی نویسنده را از اتفاقات داخل متن جدا می‌کند. یعنی بدون این‌که لازم باشد پیشاپیش نویسنده را در هاله‌ای از قداست معنوی بیچانیم خود کارکردهای متنی، خواننده را به این باور می‌رساند که این‌جا نویسنده لزوماً همان شخصیت داخل داستان نیست. متن روایی شخصیت دارد و هر شخصیتی هم نظرگاه خودش را دارد. هرچند این رویداد در واقع ناواقعیت است، ولی متن آن را واقعیت‌مانند می‌کند. این وضعیت در شعر نیست. برعکس، شعر وحدت ارگانیک میان شاعر و متن را الزام می‌کند. در داستان‌نویسی سه نظرگاه رایج من-راوی، او-راوی و تو-راوی کاربرد دارند که در هر سه آن‌ها طبق یک قرارداد نانوشته میان نویسنده و راویان، این‌همانی وجود ندارد. لذا همذات‌پنداری حاصل از کار هنری، همیشه میان مخاطب و شخصیت‌های داستان است نه میان داستان‌نویس و مخاطب. در این صورت عمل توصیف متن‌های پورنو هرچند از قلم نویسنده تراوش کرده، ولی روان مخاطب می‌گوید این شخصیت داخل داستان است که چنین سخن می‌گوید و چنین روایت می‌کند و چنین عمل می‌کند نه خود نویسنده؛ اما در شعر این حالت بسیار اندک است مگر در شعرهای روایی و داستانی. هرچند از آن‌جا که شعر نیز هنر است و تجربیات بیان‌شده در هنر نباید درست همان باشند که در هنرمند وجود دارند، ولی باز این‌همانی در شعر خیلی بیشتر است. مخاطبان در پس هر شعری درست شخصیت شاعر را می‌گذارند. در غزلیات شمس، مولانا را می‌بیند و در مطایبات سعدی خود شیخ را. نکته قابل یادآوری دیگر این است که در شعر انتزاع نظریات شاعر نیازمند تلاش محققانه نیست. می‌توان هر بیت از کار ایشان را شاهد آورد و ادعا کرد که این نظر شاعر است در فلان موضوع. حال آن‌که در داستان اگر بخواهی نظرگاه خود نویسنده را پیدا کنی باید در میان کاراکترهای گوناگون بگردی و کسی را نزدیک‌تر



به نویسنده بیایی. بنابراین، توجیه پورنوگرافی در شعر کمتر است و مستقیم دامن شاعر را می‌گیرد و حال آن‌که در داستان چنین حالتی نیست.

اما تفاوت دوم که باز به ساختار این دو قالب باز می‌گردد، ویژگی اجمالی بودن شعر و تفصیلی بودن داستان است. شعر ذاتاً به سمت اجمال و فشرده‌گویی و استعاره‌پردازی و رمزوارگی حرکت می‌کند. همه این عوامل، متن شعری را از واقعیت‌گرایی دور می‌کنند. این است که اروتیسیم در شعر هیچ‌گاه از یک توصیف کلی فراتر نمی‌رود و مخاطب در آن احساس نیاز ذاتی به صراحت و پردازش تفصیلی نمی‌بیند و اگر شعری بدون در نظر گرفتن این اقتضائات ساختاری وارد ساحت پردازش پورنوگرایانه شود دم خروس شخصیت شاعر، خودش را نشان می‌دهد، اما روشن است که داستان این‌گونه نیست. در آخر یک مورد مشترک در شعر و داستان وجود دارد که به نحو ذاتی اروتیسیم را می‌پذیرد و از پورنو اجتناب می‌کند. به عنوان مثال وقتی فردوسی در شب آشنایی رستم با ته‌مینه می‌سراید:

چو یک بهره از تیره شب در گذشت  
شبه‌هنگ بر چرخ گردان بگشت  
سخن گفتن آمد نهفته به راز  
در خواب‌گه نرم کردند باز  
یکی بنده شمع‌ی معنبر به دست  
خرامان پیامد به بالین مست  
پس پرده اندر یکی ماه روی  
چو خورشید تابان پر از رنگ و بوی  
دو ابرو کمان و دو گیسو کمند  
به بالا به کردار سرو بلند  
روانش خرد بود تن جان پاک

تو گفتی که بهره ندارد ز خاک

در باره آمدن ته‌مینه و سخن گفتنش با رستم حدود سی بیت می‌سراید، اما وقتی به جریان اصلی باهم بودن آن‌ها می‌رسد تنها به آوردن یک بیت اکتفا می‌کند:

چو انباز او گشت با او به راز  
ببود آن شب تیره دیر و دراز

این حالت تنها به اقتضای اخلاق‌مندی حکیم طوس نیست، بلکه نوعی اقتضای کار هنری است که از تکنیک‌های حذف و تلخیص و کتمان و تعلیق باید بهره داشته باشد؛ یعنی بعد از این بیت دیگر خیال مخاطب چه تصویری می‌تواند داشته باشد که شاعر با توصیف‌های بعدی بخواهد آن را ایجاد کند. یعنی با بیان جزء به جزء در عمل داستانی چه چیزی افزوده می‌شد که حالا فوت شده است. این است که باید نویسنده خیلی مراقب باشد که کارش ناخواسته به تبلیغ و ایجاد کشش غیرهنری از این طریق نکشد.



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴